

# چشم‌انداز

## درآمد

بر آن شدیم اولین شماره مجله آثار را با هدف گشودن افقی جدید در باستان‌شناسی ایران و همچنین برانگیختن باستان‌شناسان جوان به پژوهش و تحقیق و کمک به رشد و ارتقاء باستان‌شناسی کشور منتشر کنیم. محور فعالیت‌های آثار تمرکز بر فعالیت‌ها و پژوهش‌های میدانی باستان‌شناسی است. البته اولویت با مباحث باستان‌شناسی ایران، پیرامون ایران و سپس باستان‌شناسی جهان می‌باشد. امیدوارم که «آثار» مورد اقبال خوانندگان گرامی قرار گیرد و شماره‌های آینده پربارتر از این شماره باشند.

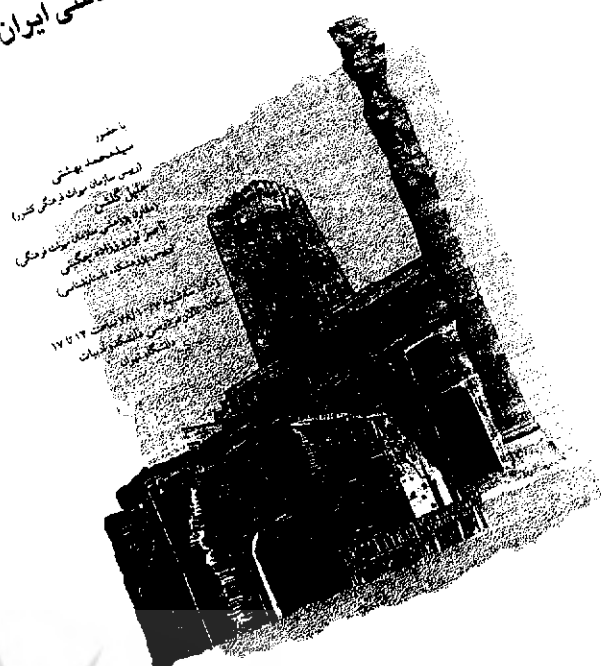
\*\*\*

سمینار "چشم‌انداز آینده باستان‌شناسی ایران (۲)" در تاریخ ۷۸/۱۰/۷ و با حضور مهندس سیدمحمد بهشتی (ریاست سازمان میراث فرهنگی)، جلیل گلشن (معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی)، ناصر نوروز زاده‌چگینی (رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی) به کوشش هسته علمی دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه تهران برگزار شد. راهنمایی و اداره جلسه را نیز دکتر مسعود آذرنوش برعهده داشت. این سمینار در ادامه میزگرد «چشم‌انداز آینده باستان‌شناسی ایران (۱)» بود که مباحث طرح شده در آن میزگرد در «پیوست شماره ۵ و ۶» باستان پژوهی منتشر شد. در این سمینار مسایلی از قبیل ادغام سازمان میراث فرهنگی با سازمان ایرانگردی، حضور دانشجویان در هیأت‌های باستان‌شناسی، مسؤلیت سازمان میراث فرهنگی در قبال دانشجویان باستان‌شناسی، فعالیت هیأت‌های باستان‌شناسی خارجی، مسایل مربوط به اشتغال جوانان، وضعیت فعلی حفاظت از آثار تاریخی - فرهنگی کشور و ... طرح شد. از آن میان برخی از پرسش‌ها به وضوح مبهم و بی‌نتیجه ماند. وضعیت حفاظت از آثار تاریخی فرهنگی کشور حضور نداشتن دانشجویان در هیأت‌های باستان‌شناسی، منتشر نشدن نشریه تخصصی باستان‌شناسی از سوی سازمان میراث فرهنگی، انجمن باستان‌شناسی و ... از این قبیل‌اند.

لازم می‌دانیم تا از حضور مسؤولین محترم سازمان میراث فرهنگی و همچنین دکتر مسعود آذرنوش سپاسگزاری و قدردانی نماییم.

\*\*\*

■ **دکتر آذرنوش:** بسم الله الرحمن الرحيم. من از مسؤولین هسته علمی دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه تهران تشکر می‌کنم که این فرصتها را برای گردهمایی مسؤولین بخش‌های مختلف که دست‌اندر کار باستان‌شناسی کشور هستند فراهم می‌کنند و امیدوارم که این فرصتها نتایج بسیار مثبتی در ایجاد هماهنگی بیشتر و همدلی برای همگان فراهم کند. مطلع هستم که هسته علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران اخیراً به موفقیت چشمگیری نایل آمد و نشریه این هسته با نام "باستان پژوهی" اخیراً در دانشگاه اصفهان برنده رتبه دوم بخش نشریه



با حضور  
سیدمحمد بهشتی  
ریاست سازمان میراث فرهنگی کشور  
جلیل گلشن  
معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی  
ناصر نوروز زاده‌چگینی  
رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی  
مهرماه ۱۳۷۸  
گروه باستان‌شناسی  
دانشگاه تهران

با حضور

مهندس سید محمد بهشتی

جلیل گلشن

ناصر نوروز زاده‌چگینی

دکتر مسعود آذرنوش

# آینده باستان‌شناسی ایران (۲)

قلمداد کنند و سوال دیگری در این مورد مطرح نفرمایند. با تشکر از حضار و با تشکر مجدد از آقای مهندس بهشتی از ایشان خواهش می‌کنم بیانات خودشان را شروع بفرمایند.

□ **مهندس بهشتی:** بسم الله الرحمن الرحيم. تسلیت عرض می‌کنم به مناسبت ضربت خوردن مولای متقیان و آرزوی قبولی طاعات برای همه عزیزانی که در مجلس حضور دارند، دارم. من هنوز دقیق برایم روشن نشده که قرار است درباره چه صحبت بکنم ولی یک وقتی یادم است که با یکی از دانشجویان خیلی هول هولکی با هم صحبت می‌کردیم و ایشان می‌فرمودند مثلاً فرصتی بشود که ما با هم صحبتی داشته باشیم. من عرض کردم حرف دارم خدمت شما و سعی می‌کنم خیلی خلاصه همان حرفهایی را که فکر می‌کردم همان موقع بد نیست به دوستان دانشجویان باستان‌شناس بگویم از همان حرفها عرض بکنم. البته به این محورهایی که مطرح فرمودند هم سعی می‌کنم اشاراتی داشته باشم ولی بیشتر ترجیح می‌دهم وقت را بگذارم برای پرسش و پاسخ و مشخصاً درباره پرسشهایی که طرح می‌شود اگر نکاتی به نظر برسد خدمتان عرض بکنم.

اگر قرار بود یکبار دیگر درس بخوانم حتماً می‌رفتم رشته باستان‌شناسی می‌خواندم و رشته باستان‌شناسی را به رشته‌ای که خوانده‌ام ترجیح می‌دادم. البته رشته ای را که خوانده‌ام خیلی دوست دارم ولی باستان‌شناسی به نظرم رشته خیلی هیجان انگیزتری است. رشته خیلی مولدتری می‌تواند باشد می‌تواند نقش خیلی سازنده‌تر و بنیادی‌تری در عرصه فرهنگ و علم در کشور ایفا بکند.

ما در سازمان میراث فرهنگی با موضوعات مختلفی مواجه هستیم. البته همه موضوعات به نحوی با هم ارتباط دارند و شاید یکی از حلقه‌های مهم ارتباطی بین این رشته‌های مختلف همین رشته باستان‌شناسی باشد ولی رشته‌های مختلفی هستند مثل باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، زبان و گویش، هنرهای سنتی، معماری و شهرسازی که از طریق این علوم قرار است نسبت به میراث فرهنگی معرفت حاصل شود و به عبارتی ما را از بیماری نسیان فرهنگی که به شدت در معرض آن قرار داریم به یک نحوی نجات دهد. البته یکی از آثارش این است و آثار دیگری نیز دارد. پس موضوعاتی که ما در سازمان میراث فرهنگی به آن می‌پردازیم این چند موضوع است. به عبارت دیگر یک تقسیم‌بندی دیگر در سازمان میراث فرهنگی صورت گرفته و این است که نسبت به هر کدام از این موضوعات آن چیزی که این موضوع نسبت به آن تحقق پیدا می‌کند اجمالاً به آن می‌گوییم "آثار". اولین وظیفه قانونی که بر عهده میراث فرهنگی گذاشته شده است و تعطیل‌ناپذیرترین وظیفه سازمان وظیفه "حفاظت آثار" است. ما اگر هیچ‌امکانی نداشته باشیم برای مرمت برای معرفی و برای کارهای دیگر ولی وظیفه حفاظت داریم. چرا وظیفه حفاظت داریم؟ برای اینکه این موضوعاتی که ما از آن در میراث فرهنگی سخن می‌گوییم اینها

علمی دانشگاه‌های سراسر کشور شد و لوح تقدیر را از اصفهان به دانشگاه تهران آورده است. من این موفقیت را به هسته علمی و بعد به گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات تبریک می‌گویم و امیدوارم طبعه موفقیت‌های بزرگتر بعدی دانشجویان و پژوهشگران دست اندر کار باستان‌شناسی در کشور باشد. در جلسه امروز ما، سخنرانان گرامی چندی حضور دارند که به منظور آرایه دیدگاه‌های خودشان درباره محورهای اعلام شده از سوی دانشجویان هسته علمی، زحمت کشیدند و تشریف آوردند. من در اینجا به ویژه از آقای مهندس بهشتی و آقای جلیل گلشن و آقای ناصر چگینی و دیگر حضاران در جلسه تشکر می‌کنم و امیدواریم که این پرسش و پاسخ به نتیجه مثبتی منجر شود.

جناب آقای مهندس بهشتی، سرپرست محترم سازمان میراث فرهنگی کشور، فارغ‌التحصیل دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی هستند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۲ مدیریت فرهنگی قسمت‌های مختلف سازمان صدا و سیما را بر عهده داشتند و از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۷۲ مدیر عامل بنیاد سینمایی فارابی بوده‌اند و موفقیت‌های این بنیاد را همه ما آگاه هستیم. از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۷۶ ایشان مدیر عامل شرکت توسعه فضاها و فرهنگی وابسته به شهرداری تهران بودند و از این سال هم (۱۳۷۶) تاکنون سمت معاونت وزیر فرهنگ و وزارت ارشاد اسلامی و ریاست سازمان میراث فرهنگی کشور یعنی پژوهشگاه را بر عهده داشته‌اند. از حضور ایشان و زحمتی که تقبل کرده‌اند صمیمانه سپاسگزاریم. آقای جلیل گلشن هم به عنوان معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی در اینجا تشریف دارند. ایشان بعد از انقلاب اسلامی به عنوان فارغ‌التحصیل و کارشناس در رشته باستان‌شناسی تحقیق می‌کردند از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶ ریاست موزه ایران باستان و از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۱ مدیریت میراث فرهنگی استان تهران را بر عهده داشته‌اند.

ایشان در این سالها موفق شدند که درجه کارشناسی ارشد را از گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران دریافت کنند. و از سال ۱۳۷۲ تاکنون سمت معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور را بر عهده دارند. سخنران یا حاضر در جلسه سوم، آقای ناصر چگینی هستند. به عنوان شخصی که همیشه با باستان‌شناسان چه سالمند و چه جوان ارتباط مستقیمی دارند. از حضور ایشان نیز تشکر می‌کنیم. من از آقای مهندس بهشتی خواهش می‌کنم که ابتدا بیاناتی در مورد ساختار سازمان میراث فرهنگی کشور بفرمایند. پس از آن هم از حضار خواهش می‌کنم که چنانچه از آقای مهندس بهشتی یا آقای جلیل گلشن یا از آقای چگینی پرسشی دارند پرسش‌های خود را روی کاغذهایی که خدمتشان تقدیم خواهد شد مکتوب بفرمایند و بدهند به دست افرادی که در جلسه حاضر هستند تا به اینجا بیاورند. با توجه به تعداد حضار گرامی و محدودیت وقت خواهش من این است که به یک سوال بسنده کنند و پاسخی که شنیده می‌شود قطعی

فرهنگی آدم به عنوان یک آدمی که از دور شاید منظرة خیلی مبهم و مه آلودی را داشته، نسبت به این موضوع در سازمان میراث فرهنگی بود که برای من روشن شد که دچار سوء تفاهم بودم و فکر می‌کنم هنوز برای خیلی‌ها این سوء تفاهم نسبت به رشته باستان‌شناسی مرتفع نشده است. به عنوان یک چنین شخصی می‌خواهم درباره رشته باستان‌شناسی و درد دل‌هایی را که حالا من به عنوان مسؤؤل سازمان میراث فرهنگی می‌توانم عرض کنم خدمتتان بیان می‌کنم، به عنوان آدمی که در تمام طول زندگی و حضورم در صحنه‌های اجتماعی، در عرصه‌های فرهنگی بوده و کارم را جدی گرفته‌ام، یعنی موضوع فرهنگ موضوع مورد علاقه من بود شغل تکلیفی من نبوده، رشته‌ام رشته معماری و شهرسازی بوده و رشته خودم را خیلی دوست داشتم. خصوصاً به معماری گذشته خودمان خیلی علاقمند بودم با همه این مقدمات بنده نسبت به باستان‌شناسی دچار سوء تفاهم بودم. از این، یک نتیجه ساده می‌توان گرفت آن هم اینکه نسبت به رشته باستان‌شناسی که شما دارید در آن درس می‌خوانید و عزیزانی که در ردیف جلوتر نشسته‌اند و تدریس می‌کنند جامعه ما دچار سوء تفاهم است. چند تا رشته می‌توانیم بشماریم که در باره آن، جامعه دچار سوء تفاهم باشد. نه جامعه عوام بلکه جامعه علمی و نجیبگان هم دچار سوء تفاهم باشند. مثلاً رشته پزشکی، لزومی ندارد ما پزشک باشیم، ما اجمالاً می‌دانیم که موضوع علم ریاضی چیست، فیزیک، شیمی، جامعه‌شناسی، و خیلی رشته‌های دیگر که ما تصویری داریم که اهل آن رشته تعجب نمی‌کنند و اوقات آنها از تصور ما درباره آن رشته تلخ نمی‌شود، یعنی مثلاً تصور ما از پزشکی این باشد که پزشکها مسؤؤل کشتن آدمها هستند و کسانی را که به بیمارستان می‌فرستیم بعضی‌ها را، پزشکان موفق می‌شوند بکشند و جنازه آنها بیرون می‌آید و بعضی‌ها را هم موفق نمی‌شوند بکشند. اگر تصور ما از پزشکان همین باشد و اگر این را به یک پزشک بگوییم چقدر اوقاتش تلخ می‌شود، چون فکر می‌کند کارش برعکس این است. تصویری که درباره رشته باستان‌شناسی خارج از دایره باستان‌شناسی وجود دارد متأسفانه چیزی شبیه به همین مثال است که درباره پزشکی عرض کردم.

خب! حالا چند رشته در عالم داریم که وضع باستان‌شناسی را داشته باشد و یک چنین سوء تفاهمی نسبت به آن وجود داشته باشد. من چیز دیگری غیر از باستان‌شناسی یاد نمی‌آید. شاید بعضی از رشته‌هایی که مثلاً یک مقدار اسمهای عجیب و غریب دارند اینطور باشند یادمان است که مثلاً ما وقتی بچه بودیم تازه اسمهایی مثل ارتودنسی رایج شده بود در دندان پزشکی، یک کسی می‌رفت در آلمان درس دندان پزشکی می‌خواند و ارتودنسی هم که چیزی جدید بود در عنوان تابلوی بالای سر مطبش می‌نوشت اما هیچ کس نمی‌دانست ارتودنسی یعنی چه. شاید بعضی رشته‌ها را داشته باشیم که اسمهای عجیب و غریبی داشته باشند و شاید برای همین است که ما تصویری از آنها نداریم اما باستان‌شناسی چیزی است که به زبان فارسی است. ما می‌دانیم باستان چیست و شناختن چیست، ولی در عین حال نمی‌دانیم چیست یعنی خارج از دایره باستان‌شناسی نمی‌دانیم که چیست. خوب حالا مهم است که مردم، جامعه و نجیبگان جامعه نسبت به این رشته دچار سوء تفاهم باشند.

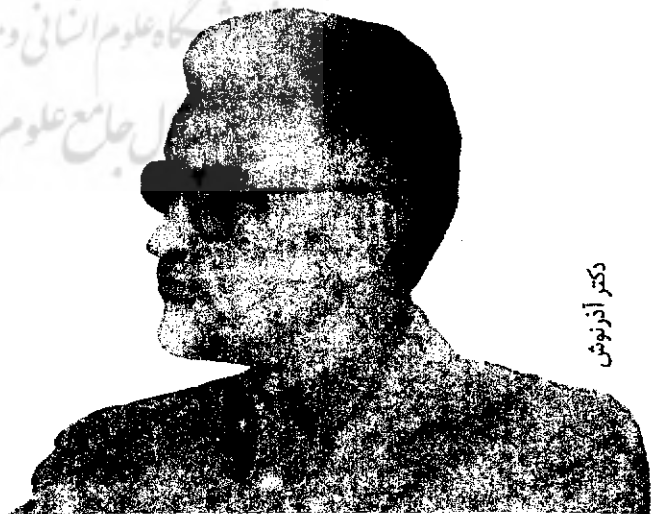
می‌توانیم بگوییم بعضی رشته‌ها مهم نیستند هر تصویری که دارند داشته باشند خیلی به گاو و گوسفند ما لطمه وارد نمی‌شود اما آیا در رشته باستان‌شناسی هم می‌توانیم حرفی را بزنیم؟ یعنی می‌توانیم در شرایطی به فعالیت‌های خودمان در صورت مطلوب ادامه دهیم و آنرا در شرایطی که جامعه دچار سوء تفاهم است توسعه دهیم، شاید رشته‌هایی باشند که بتوانند تحمل این سوء تفاهم و سوء تعبیر را بکنند ولی در رشته باستان‌شناسی من فکر می‌کنم که ضایعات بسیار زیادی این سوء تعبیر و این سوء تفاهم را دنبال می‌کند. از اینجا می‌خواهم این نتیجه را بگیرم شاید ما در رشته باستان‌شناسی چه در سازمان میراث فرهنگی چه در

نسبت خیلی بی‌واسطه‌ای با آثار دارند یعنی نمی‌شود این آثار وجود نداشته باشند و این تأملات علمی را ما در این موضوعات همچنان بتوانیم انجام دهیم.

یعنی وقتی اثری از بین می‌رود نمی‌شود دوباره آن را ایجاد کرد. از این جهت امر حفاظت، اولویت ویژه‌ای در میراث فرهنگی پیدا می‌کند. البته امر حفاظت جنبه‌های مختلفی دارد، جنبه حقوقی دارد، جنبه فیزیکی دارد، نگهداری و پاسبان و سیم‌خاردار و امثال اینها را دارد. در حفاظت یک سری تمهیدات حقوقی و قانونی هم به امر حفاظت کمک می‌کنند که همه اینها در درون دستگاه میراث فرهنگی پیش بینی شده‌اند، پس یک شاخه از فعالیت‌های سازمان میراث فرهنگی وظیفه حفاظت است. شاخه دیگر وظیفه پژوهش است ما اینها را حفظ می‌کنیم برای اینکه در آن تأمل علمی بکنیم یا به عبارت دیگر پژوهش کنیم، تحقیق کنیم، برای همین است که سازمان میراث فرهنگی در حال حاضر پژوهشگاه شناخته می‌شود. حتی زمانی که پژوهشگاه شناخته نمی‌شد پژوهشگاه بود. به خاطر اینکه فعلی که اتفاق می‌افتد فعل پژوهشی است.

پس یک شاخه دیگر از فعالیت‌های ما شاخه پژوهش است. شاخه سوم شاخه معرفی است که در حقیقت می‌شود گفت از جهتی آنجایی است که ما میوه این درخت را می‌چینیم، آنجایی است که ما نسبت برقرار می‌کنیم با عموم مردم.

مثال عامیانه بزنیم، مثل این است که ما در قسمت پژوهشمان تولید نیروی الکترونیست می‌کنیم در قسمت معرفی باید آن را به وضعی درآوریم که چراغ خانه‌مان را با آن روشن کنیم، شاید ولتاژ آن را پایین بیاوریم، شاید به نحوی یک شبکه جدیدی باز کنیم، خلاصه برسانیم به دست مصرف کننده‌ای که در حقیقت چراغ خانه‌اش را بتواند با آن روشن کند. این در حقیقت قلمرو معرفی است. شامل موزه‌ها، محوطه‌ها، امر بازدید، بخشی از انتشارات و تولیدات فرهنگی، اطلاع رسانی وبخشهای مختلفی که حالا در حوزه معرفی عملاً با آن مواجه هستیم در حوزه پژوهشی چند تا پژوهشکده ما داریم و یکی از این پنج پژوهشکده‌ای که معاونت پژوهشی را تشکیل می‌دهند پژوهشکده باستان‌شناسی است، با تقسیماتی که در درون خودش دارد. توضیحات دقیق‌تر را احتمالاً آقای چگینی خواهد فرمود. از عمده‌ترین بخشهای فعالیت این پژوهشکده مربوط به کاوشهایی است



که در سطح کشور انجام می‌شود، شناساییها و بررسی‌هایی است که در سطح کشور صورت می‌گیرد و گمانه‌زنی‌هایی که برای تعیین حریم برای موارد دیگرگاهی لازم است. این فعالیت میدانی پژوهشکده باستان‌شناسی است. غیر از فعالیت‌های میدانی فعالیت‌های دیگری هم دارد که باز به عهده آقای چگینی است که بفرمایند. من به عنوان کسی که از رشته باستان‌شناسی خیلی خبر نداشته‌ام تا وقتی که به سازمان میراث

یکی از گرفتاریهایی است که ما در این رشته با آن مواجه هستیم البته مطلب زیاد است ولی ترجیح می‌دهم که در پاسخ به سوالات باشد حال این چند نکته را داشته باشید تا اگر بعد از هم لازم شد عرایض خدمتتان خواهم داشت.

■ **دکتر آذرنوش:** با تشکر از آقای مهندس بهشتی. از آقای گلشن و آقای چگینی خواهش می‌کنم که برای ادامه بحث پرسش و پاسخ



مهندس بهشتی

تشریف بیاورند به اینجا و از حضار هم خواهش می‌کنم که اگر سوالی خدمتشان هست مطرح بفرمایند و نکته‌ای که باید عرض کنم این است که حد اکثر وقت ما تا ساعت ۴/۵ بعد از ظهر است و پس از آن اگر سوالی هنوز باقی مانده باشد متأسفانه قادر نخواهیم بود به آن پاسخ دهیم. جناب آقای گلشن لطفاً توضیح بیشتری درباره جزئیات فعالیتهای معاونت پژوهشی بفرمایید.

□ **جلیل گلشن:** بنام خدا. من هم به نوبه خودم ضربت خوردن مولای متقیان را خدمت همه سروران تسلیت می‌گویم و انشاءالله در این ماه مبارک طاعات همگی قبول باشد و بتوانیم فیض کافی و لازم را از این ماه مبارک ببریم. آقای مهندس بهشتی توضیحات لازم را دادند اما حالا تا سوالات جمع شود و سوالی اینجا مطرح شود من مقدار بیشتری موضوع را باز خواهم کرد همین طور که آقای مهندس فرمودند سازمان الان از همین پنج پژوهشکده تشکیل شده و فعالیت های آن نسبت به گذشته بمراتب بیشتر شده، چه در زمینه باستان‌شناسی، چه در زمینه مردم‌شناسی و چه در زمینه هنرهای سنتی یا زبان و گویش یا حفاظت و مرمت.

با توجه به اینکه یکی از سوالات در این زمینه این بود که میزان فعالیتهایی را که در گذشته و قبل از انقلاب انجام می‌شد و نیز فعالیتهایی را که در زمان انقلاب اسلامی تا این لحظه که در خدمتتان هستیم و در حال انجام است، چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی، چه تغییراتی کرده است یا بطور کلی در نگرش به موضوع باستان‌شناسی که الان در خدمتتان هستیم چه تغییر و تحولاتی در داخل کشور نسبت به گذشته رخ داده است. الان از نظر کیفی، موضوع متحول گشته و نگرش به موضوع باستان‌شناسی دگرگون شده، از نظر کمیت هم برنامه‌ها خیلی تحول پیدا کرده‌اند، حجم برنامه‌هایی که در حال حاضر در حال انجام هست اصلاً قابل مقایسه با هیچ یک از زمانهای گذشته نیست بطوری که تقریباً می‌شود گفت از دور افتاده ترین نقطه کشور - که جزایر خلیج فارس باشد - تا شمالی ترین نقطه، سازمان میراث فرهنگی در حال فعالیت است طبیعتاً اگر این فعالیتهایی که انجام می‌شود هر چه بیشتر با همکاری و همیاری یقیناً استادان، دانشجویان و پژوهشگرانی که در این زمینه دارند فعالیت می‌کنند توأم باشد چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی گسترش بیشتری خواهد داشت.

مراکز آکادمیک همه آن جاهایی را که بالاخره یک جور یا رشته باستان‌شناسی می‌پردازند مشکلاتی داریم. این مشکلات، مشکلات کمی نیستند ولی من فکر می‌کنم یکی از دلایل بزرگی که وجود دارد برای اینکه این مشکلات بوجود بیاید و الان موجود باشد و تا زمانی که آن مشکل برطرف نشود این مشکلات همچنان تداوم داشته باشد، همین سوءتعبیری است که وجود دارد نسبت به این رشته، یعنی رشته باستان‌شناسی را تبدیل می‌کند به یک دین مخفی زیرزمینی که جرأت نمی‌کنند اعتقادات دینی‌شان را خیلی هم بر ملا بگویند، یعنی اگر زنی و شوهری با هم دعوا کنند نمی‌توانند پیش کسی درد دل کنند، دو تا برادر با هم دعوا کنند نمی‌توانند پیش کسی بروند و درد دل کنند، کلانتری نمی‌توانند با هم بروند. چرا؟ بخاطر اینکه آن کلانتری یا آن آدم غریبه درک نمی‌کند که اینها در چه فضایی چه مناسباتی را بناست مراعات کنند، چه چیزهایی را بایست به آن توجه داشته باشند، اصلاً این چه عالمی است! عالم باستان‌شناسی دچار سوءتعبیر هستند نسبت به این عالم. برای همین یک فضای بسته و یک فضای نامطلوب ایجاد می‌شود که بسیاری از مشکلاتی که الان رشته باستان‌شناسی کشور با آن مواجه هست به نظر من ناشی از این پدیده است. من در حقیقت می‌خواهم دعوت بکنم خصوصاً از جوانان این رشته که به کمک بپوشانند این مشکل را یک مقدار شناسایی بکنند یک مقدار قدم برداریم برای اینکه این مشکل مرتفع بشود، یعنی بفهمند که کار باستان‌شناس کردن زمین و از زمین اشیاء قیمتی بیرون آوردن نیست، می‌دانید خیلی از بزرگان حوزه‌های مختلف هستند من تقریباً ماهی یک مشتری دارم که مشفقانه و دردمندانه از سر دلسوزی می‌آیند و می‌گویند آقا اینها را روشهای دیگری هم هست که اشیاء را از زمین در آورد، من نمی‌دانم از کجا شروع کنم و درباره علم باستان‌شناسی توضیح دهم که اینها متوجه باشند که اصلاً دچار سوءتفاهم و سوءتعبیر هستند. این خیلی بد است که یکی از بهترین رشته‌های در حوزه علوم انسانی که می‌توانیم از آنها یاد کنیم چطور نباید اهمیت آن درک شود به طوری که اگر خدش‌های به آن وارد شود یک عده‌ای ببینند که مشکل در امور جاری برایشان پدید می‌آید بخاطر این سوءتعبیر هست. به نظر من اهمیت و موقعیت لازم را که این رشته باید داشته باشد در عرصه های مختلف اعم از آموزش تا فعالیت پژوهشی و غیره ندارد و در حقیقت ما دچار مشکل هستیم نسبت به این رشته. یک نکته دیگر در این رشته وجود دارد که به نظر من توجه بدان هم مهم است که من و مذاکرات و گفتگوهایی که با عزیزان باستان‌شناس داشتیم کمتر توجه و تأمل در این نکته دیدم. باستان‌شناسی از جهتی موضوع آن کهنترین موضوعات مرتبط با بشر است یعنی درباره یک امر پیر و کهنه صحبت می‌کند اما از سوی دیگر جوانترین علوم عالم است، یعنی باستان‌شناسی کی عمرش به فلسفه می‌رسد؟ کی عمرش به ریاضی می‌رسد؟ کی عمرش به فیزیک، نجوم ... می‌رسد؟ عمر کوتاهی دارد خیلی جوان است. باستان‌شناسی طبع علوم جدید را دارد، یعنی خیلی سریع و شدید دچار تغییر و تحول می‌شود. علمی که عمر کوتاه دارند قاعدتاً بسیار در معرض تغییر و تحول هستند. پس نمی‌شود رفتاری را با آن علوم کرد که با علوم پیر می‌شود، یعنی اینکه باستان‌شناسی جزء علمی است که پذیرای طرح نو، فکر نو و نظر تازه است. نمی‌توان یک تفکر سنتی فریز شده و متجسد برای باستان‌شناسی در نظر گرفت. اگر این اتفاق افتاد حتماً ما یک جایی اشتباه کرده‌ایم و جالب است که عملاً ما شاهد این هستیم که در علمی مثل فیزیک یا ریاضی خیلی راحت یک ریاضیدان شونده یک بحث تازه، یک فکر تازه و یک چیزی که اساس ریاضیات را ممکن است دچار دگرگونی بکند می‌شود و احتمال هم می‌دهد که ممکن است این حرف هم باشد یا می‌گوید استدلال قوی تری لازم دارید. اما داخل رشته های اینجوری ما گاهی پرخاش یا یقه گرفتن خلاصه تهدید و قتل و ... می‌بینیم، یعنی انگار موجودیت آن آدم به خطر می‌افتد به نظر من این

پیوند ناگسستگی امر آموزش و پژوهش چرا سازمان محترم میراث فرهنگی برای تدوین چهارچوبی به منظور حضور دانشجویان باستان‌شناسی در هیأت‌های باستان‌شناسی اقدام عملی معمول نمی‌دارد؟

□ **گلشن:** در بدو امر، در دوره آموزشی، قاعدتاً باید دانشجویان در طی تحصیلات در هیأت باستان‌شناسی دانشگاه حضور داشته باشند و همانطور که در گذشته بوده دانشگاه باید تدابیری اتخاذ کند تا دانشجویان بتوانند به اندازه کافی در صحنه میدانی حضور داشته باشند. در مرحله دوم حضور دانشجویان در میدانهای عملی سازمان میراث فرهنگی است. در نقاط مختلفی که ما حضور داریم و کار می‌کنیم با توجه به امکاناتی که می‌توانیم فراهم کنیم چه استقرار، چه اعتبار و چه از نظر مسایل دیگر، آنقدر که این امکانات اجازه دهد ما دانشجویان را پذیرفته‌ایم، می‌پذیریم و خواهیم پذیرفت.

□ **دکتر آذرنوش:** بسیار متشکرم. سوال بعدی از جناب آقای چگینی است. چرا پژوهشکده باستان‌شناسی که مهمترین مرجع اجرایی باستان‌شناسی کشور می‌باشد اقدامی در جهت ایجاد یک انجمن باستان‌شناسی متشکل از استادان و پژوهشگران برای پرداختن به مشکلات علمی، تخصصی و صنفی این دانش به عمل نمی‌آورد؟

□ **چگینی:** بستر فعلی ما اگر بخواهیم تعبیرش کنیم مثل اسفنجی است که هر کس پا یک طرف آن بگذارد یک طرف دیگر بالا می‌آید. ما باید سعی کنیم این بستر اسفنجی خودمان را محکم کنیم تا بتوانیم روی آن بایستیم و روی آن حرکت کنیم. در یک بستر اسفنجی طبعاً با مشکل روبرو هستیم. ما هم علاقمند هستیم که در یک چنین شرایطی با ایجاد توسعه فکری بتوانیم مجامعی را بوجود آوریم. البته درباره انجمن که اگر اشاره کنیم به «انجمن باستان‌شناسی ایران» به هر حال مصوبه آنرا گرفته‌ایم و نهایتاً باید کوشش کنیم این انجمن فعال شود، تا هم امکان ارتباطات علمی و فکری را بوجود آورد و هم امکانات دریافت آن چیزهایی که به صنف باستان‌شناسی مربوط می‌شود را بتوان مهیاتر بدست آورد، البته اگر منظور این است که سازمان یا پژوهشکده باستان‌شناسی به این فکر نبوده است که همکاران مختلف را گرد هم بیاورد باید گفت برای ارتقای باستان‌شناسی این فکر وجود دارد نه اینکه وجود ندارد. باید ما خودمان هم سعی کنیم و به این باور برسیم که باید باهم تفاهم داشته باشیم، باید بیشتر صحبت کنیم، باید سعی کنیم بازتر با مسأله برخورد کنیم طبعاً من هم با مسوولیتی که برعهده دارم آماده‌ام که در این زمینه هر کوششی که ممکن باشد انجام دهیم تا این هم فکری و هم اندیشی و گفتگو با همدیگر که بویژه لازمه این دوره از زندگی باستان‌شناسی و تاریخ باستان‌شناسی هست بوجود بیاید. چون اگر ما این فرصت را از دست دهیم طبعاً در آینده با مشکلات بیشتری از نظر صنفی و از نظر جایگاه علمی و همچنین مسایل اجرایی روبرو خواهیم بود. من شخصاً آمادگی خود را اعلام می‌کنم چه از طرف خودم و چه از طرف سازمان، برای اینکه کوشش کنیم با هرکسی که آمادگی این کار را دارد بنشینیم و مجامعی را ایجاد کنیم و حاصل آنرا به صورت توصیه نامه‌هایی، به صورت دستور العملهایی برای ارتقای خودمان بکار بگیریم.

□ **دکتر آذرنوش:** خیلی متشکرم. آقای چگینی، همانطور که بنده خدمتان عرض کردم بسیاری از این پرسشها پاسخهای طولانی می‌طلبد معذراً بدلیل حجم زیاد سوالها می‌خواستم خواهش کنم که تا حد امکان و با توجه به کمی وقت به سوالها با اختصار بیشتری پاسخ دهید یا این امید که بتوانیم سوالهای بیشتری را مطرح کنیم. مخاطب سوال بعدی آقای مهندس بهشتی است و سوالی است که در واقع نگرانی انبوهی از دانشجویان ما را برای دوره پس از دانشجویی بازگو می‌کند. اخیراً شنیده می‌شود که طرحی در سازمان میراث فرهنگی کشور برای اشتغال‌زایی به تصویب هیأت دولت رسیده است اگر چنین طرحی واقعیت دارد لطفاً

در پاسخ به سوالاتی که خواهد شد بیشتر به این موضوع می‌پردازیم یا در میزگردهایی که در آینده برگزار خواهد شد این موضوعات بیشتر روشن خواهد شد و امیدوارم بتوانیم با همکاری هم بیشتر در این زمینه ها فعالیت کنیم. من قبلاً به آقای دکتر آذرنوش عرض کردم که هر چه ارتباط بین دانشگاه و سازمان بیشتر شود طبیعتاً بهره بیشتری می‌شود برد و خوشحال خواهیم شد که این میزگردها بیشتر برگزار شود و این توفیق را داشته باشیم که بیشتر در خدمتان باشیم و بتوانیم با همکاری هم، آنچه در توانمان هست و وظیفه‌مان است انشاءالله انجام دهیم.

□ **دکتر آذرنوش:** با تشکر از آقای گلشن، سوال اول را مطرح می‌کنیم جناب آقای بهشتی لطفاً در مورد طرح ادغام سازمان میراث فرهنگی با سازمان ایرانگردی و جهانگردی و پیامدهای آن برای سازمان میراث فرهنگی که بیشتر متولی امر پژوهش می‌باشد توضیح بفرمائید.

□ **مهندس بهشتی:** در این باره ما بحث‌های زیادی می‌داشتیم. موافقین و مخالفین توریسم تفریحی در کشور ما دچار سوتفاهم هستند. اصلاً کشور ما ظرفیت توریسم تفریحی را ندارد چنانکه اصلاً مشتری ندارد برای توریسم تفریحی. یکی از کسانی را که مراجعه می‌کند به سفارت‌خانه ویزا بگیرد شما نمی‌توانید پیدا کنید که به قصد تفریح بخواهد بیاید ایران، مگر دیوانه است مثلاً ما بگوییم ایران چه جذابیتهای دارد که جاهای دیگر دنیا از آن جذابتر نداشته باشد، خوب قطعاً دارند شما خودتان را بگذارید جای یک توریسم آلمانی، می‌خواهید چه می‌دانم عیاشی کنید، مگر دیوانه‌اید بلند شوید بیایید ایران، می‌خواهید اسکی بکنید آنجا سوئیس که نزدیکتر است، اگر می‌خواهید دریا بروید شنا بکنید خیلی جاها هستند که سواحلی بهتر دارند، می‌خواهید کوهیمایی کنید کوههای زیباتر و با خدمات خیلی بهتری وجود دارد اصلاً توریسم تفریحی یکی از گرانترین توریسم‌هاست از جهت خدماتی که باید به آن بدهید کجا در ایران چنین خدماتی وجود دارد.

کشور ما در حوزه توریسم تفریحی، ردیف از صد به پایین می‌شود، علی‌رغم تمام تنوع اقلیمی که دارد، علی‌رغم همه ظرفیتهای طبیعی که در آن هست اما در برابرش شما بیایید از توریسم فرهنگی صحبت بکنید، توریسم فرهنگی که درست خلاف توریسم تفریحی است. اولاً ضایعات فرهنگی ندارد - که توریسم تفریحی دارد شاهدش نیز آن چیزی است که در شمال ایران اتفاق افتاده و در اثر رونق توریسم تفریحی البته داخلی ضایعات فرهنگی دارد - یک نکته دیگر اینکه کشور ما به لحاظ تنوع قومی، تنوع اقلیمی، تنوع... در این طول تاریخی که داشته، آثار تمدن‌های مختلفی در آن وجود دارد همه اینها را که نگاه کنید به این ترتیب می‌توان بحث ادغام نه به مفهوم اینکه ترکیب شوند در هم بلکه یک جور مخلوط شوند باهم را می‌شود مطرح کرد. این بحث را ما داشتیم گفتیم انگیزه ارتقاء سازمان چون از ماست و برای ما خیلی مهم است و دو اینکه مهار بکنیم موضوع توریسم را، ما آماده این ادغام هستیم اما اگر این شرایط موجود نباشد ما بشدت مخالف این ادغام هستیم چنانکه الان ما در وضعیتی هستیم که اپوزسیون، اپوزسیون مخالف است. الان ما بحثی که داریم با سازمان امور اداری استخدامی این است که این طرح پس گرفته شود به خاطر اینکه آنها طرحی که به عنوان طرح ادغام تنظیم کردند در حقیقت با عدم اشراف و آگاهی نسبت به موضوع میراث فرهنگی بود. یعنی ما یک خرده تند که با آنها صحبت می‌کردیم در واقع حرفمان این بود که شما با این طرحتان سازمان میراث فرهنگی را منحل کردید و ماترک آن را به ایران گردی و گردشگری سپردید و ماترک آن چیست؟ مثلاً تخت جمشید و موزه ملی و البته یک تعارفی هم کردید که اسم آن را گذاشتید سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ما با این صددرصد مخالفیم.

□ **دکتر آذرنوش:** با تشکر از جناب آقای مهندس بهشتی برای پاسخ روشن‌نگرشان. سوال بعدی را از آقای گلشن خواهیم داشت. با توجه به

توضیح بفرمایید.

□ **مهندس بهشتی:** ما برای اینکه سازمان میراث فرهنگی را از این تنگناهایی که در آن بسر می‌برد خارج کنیم و امکاناتی را فراهم بکنیم، یکی از زمینه‌های که فکر کردیم از آن طریق می‌شود گره‌گشایی کرد این بود که مطالعه کردیم که دولت به چه چیزهای حساسیت دارد؛ یعنی کی حرف ما را جدی می‌گیرد، زمانی که ما به مسایل جدی دولت بپردازیم و گر نه، ما می‌شویم کسانی که برای زمانی که دولت گرفتاری کم دارد، بحران و مشکل ندارد آن موقع اگر حوصله‌اش را داشت به حرف ما نیز گوش می‌کند. ما می‌خواهیم درست در آن وسط، آنجایی که دولت به اصطلاح حساسیت‌هایش وجود دارد حضور داشته باشیم. خوب! آنجا کجاست؟ یکی از حساسیت‌هایی که دولت با آن مواجه است موضوع اشتغال هست. گاهی با همکاران و دوستان خارج از سازمان، مثل سازمان برنامه و بودجه یا سازمان امور اداری و استخدامی و جاهای دیگر گاهی اوقات مجبور می‌شویم یک صحبت‌هایی بکنیم که شاید شما از دور بشنوید و شاید دچار سوءتفاهم شوید مثلاً من یک وقت ناگزیر شدم بگویم آقا تخت جمشید فکر کنید یک کارخانه است شما چطور با یک کارخانه طرف می‌شوید، فکر کنید ما هم یک کارخانه‌ایم نه حرف فرهنگی می‌زنیم نه حرف علمی می‌زنیم، مثل یک کارخانه با ما برخورد کنید. چرا؟ به خاطر اینکه آنها این زبان را می‌فهمند، اینجا هم ما ناگزیریم یک چنین حرفی بزنیم. در بحث اشتغال زایی ما مدعی شدیم که ارزانترین شغل را در کشور حاضریم آماده و فراهم کنیم. بنابه محاسبات سازمان برنامه کمترین میزان سرمایه‌گذاری برای ایجاد یک شغل عبارت است از چیزی حدود چهار میلیون تومان؛ یعنی باید چهار میلیون سرمایه‌گذاری کرد تا یک شغل بوجود بیاید ما گفتیم با یک میلیون و نیم حاضریم شغل ایجاد کنیم و این باعث شد که حرف ما را جدی بگیرند. حساب ما هم خیلی غلط نبوده - به خاطر کمی وقت خلاصه‌تر صحبت می‌کنم - به هر صورت در این پیشنهاد طرح کردیم که در موضوع رفع مشکل بیکاری، ما هم حاضریم سهمی را برعهده بگیریم به شرط اینکه شما از آن اعتبار و بودجه‌ای که برای زمینه سازی برای اشتغال کنار گذاشته‌اید، سهمی را به ما بدهید ما آمادگی این را داریم که تا پایان برنامه سوم یک عدد درشتی در اشتغال ایجاد کنیم و بیشتر هم متوجه امر مرمت ابنیه و یافته‌های تاریخی هست.

□ **دکتر آذرنوش:** سوال بعدی از آقای گلشن است. اخیراً هیأت‌های باستان‌شناسی خارجی در کشورمان شروع به فعالیت کرده‌اند با توجه به شرایط امروز و مرور گذشته در این باره چه تدابیری اندیشیده‌اید و اساساً معیارهایی که برای فعالیت باستان‌شناسان خارجی در نظر گرفته شده است چه می‌باشد. من این سوال را با سوال دیگری که باز هم مخاطبش جناب آقای گلشن می‌باشد ادغام می‌کنم و آن نیز این است که چرا کاوش آریسمان را به هیأت خارجی سپرده‌اید؟ آیا در داخل، ما کسی را نداریم که توانایی این امر را داشته باشد؟ فکر می‌کنم کم و بیش این دو سوال در یک راستا هستند.

□ **گلشن:** تا به این لحظه هیچ هیأت خارجی در ایران شروع به کاوش نکرده و قرار هم نیست، یعنی فعلاً قرار نیست که هیچ هیأت خارجی به طور مستقل شروع به کار کند آنچه که بوده و سیاست سازمان بوده و از گذشته‌های دور بعد از انقلاب رخ داده این هست که ما اطلاعات را نسبت به مسایل باستان‌شناسی افزایش دهیم. همانطور که توضیح داده شد در قبل از انقلاب تعداد زیادی محوطه‌های ایران توسط هیأت‌های خارجی کاوش شده و گزارش‌هایشان هم به همان شکل باقی مانده و برای دانشجویان و دانش پژوهان ما تقریباً غیر قابل بهره‌برداری بوده یا به سختی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته است. در این راستا سازمان اقدام به ترجمه تعداد زیادی از کتبی که وجود داشته و به زبان لاتین بوده کرده است تا با منتشر کردن آن حداقل ما اطلاعاتی از محوطه‌ها و فرهنگ گذشته

خودمان به زبان فارسی داشته باشیم که بشود مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. در راستای همین سیاست، کاوش تعدادی از محوطه‌های ما که توسط هیأت‌های خارجی انجام شده و همچنان نیمه کاره مانده یعنی اطلاعات در دست آنها هست و اشیاء بی‌شناخته یا بی‌هویت در دست ما باقی مانده و ما نمی‌توانیم آنها را مطالعه کنیم چون اطلاعات خاصی را که باید داشته باشیم نداریم بنابراین در راستای آن سیاست سعی کردیم که کارهای گذشته را تکمیل کنیم نه اینکه اقدام به امر کاوش بکنیم بلکه آثاری که از کاوشها بدست آمده، به صورت مشترک مورد بررسی قرار بگیرد و اطلاعاتش منتشر شود. در رابطه با آریسمان باید بگویم که محوطه به هیچ هیأت خارجی محول نشده طبیعتاً کاوش توسط هیأت ایرانی ممکن است که با اشتراک آنها انجام شود ولی واگذار به هیچ هیأت خارجی نشده است. □ **دکتر آذرنوش:** آقای چگینی، لطفاً بفرمایید دلیل برگزاری سومین گردهمایی باستان‌شناسی در زاهدان چیست؟ با توجه به محدود بودن برگزاری چنین همایش‌هایی آیا برگزاری این همایش در زاهدان از بار کیفی و کمی آن نخواهد کاست؟

□ **چگینی:** من قبل از اینکه به این سوال جواب دهم در ادامه سوال قبلی اشاره بکنم که کسی از باستان‌شناسان خارجی قرار نیست که در آریسمان کاوش کند و چنین قراری هم وجود ندارد و فرد ایرانی برای این کار در یک برنامه مشترک مشخص شده است. برگزاری سمینارها در مناطق گوناگون کشور می‌تواند باعث رشد فرهنگی و ایجاد انگیزه‌های علمی و توجه شهروندان آن شهر یا آن استان نسبت به مسایل علمی و پژوهشی خودشان شود. هدف از برگزاری سمینارها در مناطق مختلف کشور هم بر همین اساس است. مساله دیگر اینکه طبعاً طرز تلقی‌ای که از منطقه جنوب شرق ایران وجود دارد عموماً مساله قاچاق، مواد مخدر، آشغال و اینگونه مسایل هست و حالا نه اینکه این گونه سمینارها می‌تواند علاج کار باشد ولی می‌تواند جایی را در این معالجه برای خودش منظور کند و ما باید هم طرز تلقی دیگران را نسبت به این منطقه عوض بکنیم و هم طرز تلقی خودشان را نسبت به این منطقه عوض کنیم.

□ **مهندس بهشتی:** یافته‌های علمی دنیا را ما باید مطلع شویم. ما باید به تراز جدیدی که این علم در دنیا دارد آشنا بشویم و در این تراز جدید استقرار پیدا بکنیم، یعنی ما نمی‌توانیم مثلاً از خیلی امکانات، خیلی تکنیکها، خیلی روشها، خیلی یافته‌های جدیدی که در دنیا وجود دارد و می‌تواند تصحیح بکند روشهای گذشته ما را روبرگردانیم و بگوییم نمی‌خواهیم، نکته دیگر سوالی بود که درباره فلزیاب شد. این تقریباً وضع ما را نشان می‌دهد - همین پخش آگهی فلزیاب از صداوسیما - که چقدر ما محترم هستیم و معتبر هستیم نسبت به دستگاههای دیگر. دو سال است که تلاش می‌کنیم از این پدیده حداقل تبلیغاتش را جلوگیری بکنیم، ما طرحی را به دولت بردیم ابتدا در کمیسیون فرهنگی دولت پیشنهاد ما را نپذیرفتند، خصوصاً کسانی که از مراکز دانشگاهی بودند بحث‌شان این بود که این فلزیاب نیست بلکه یک پدیده علمی است و شما دارید با علم مخالفت می‌کنید. خلاصه‌ما مثل اسفند روی آتش هی این ور آن ور شدیم بالاخره موفق شدیم که طرح را مسکوت نگه‌داریم تا با یک تدارکات جدید و تازه نفس تری وارد میدان شویم. تقریباً پنج، شش ماه پیش بود که دوباره به کمیسیون فرهنگی دولت رفتم و نهایتاً در کمیسیون فرهنگی دولت تصویب شد که فلزیاب چیزی مثل اسلحه است، وارد آتش به کشور ممنوع است مگر توسط جاهایی که مجاز شمرده می‌شود مثل ارتش، سپاه، نیروی انتظامی یا جاهایی که لزوماً باید این را داشته باشند. در دست مردم بودنش غیرمجاز است مگر در دست کسی که مجوزی داشته باشد و معتبر باشد. چون آنها حرفشان این بود که این فلزیابها برای پیدا کردن لوله‌های آب و فاضلاب و گاز و ... استفاده می‌شود. اینها معلوم است کجاها هستند همه که در بیابان راه نمی‌افتند لوله آب پیدا کنند قاعدتاً چند تا شرکت

هستند که وظیفه‌شان این است که لوله‌های آب را نگاه‌دارند، عیب ندارد قرارداد با اینها می‌بندند که مثلاً وزارت نیرو یا سازمان آب در قرارداد یکی از تعهدات این باشد که مجوز هم برای اینها بگیرند که این فلزیاب را داشته باشند بعد هم برای این کار استفاده نکنند و برای کار دیگر حق نداشته باشند استفاده کنند. در بیابانها و محوطه‌های تاریخی دنبال لوله آب نگردند و فقط آنجایی که لوله آب ممکن است پیدا شود دنبالش بگردند



جناب گلشن

کارشناسی ارشد وجود داشته این است که پیش نیاز گذاشته‌اند برای آنها تا کار کاوش انجام بدهند. ما حدوداً از دو سه سال پیش با دانشگاه آزاد مکاتبه داشتیم که بیا باید تکلیف دانشجویان را روشن بکنید ولی متأسفانه با وقفه‌های خیلی زیاد انجام شده و حتی جواب مکاتبات را به ما ندادند تا اینکه اخیراً شاید پس از گذشت یک سال، یک سال و نیم معاون آموزشی دانشگاه آزاد آمده بودند یک مذاکراتی انجام داده‌ایم و قرار شد که آنها در این زمینه بیشتر فعال باشند. قرار شد آقایان بررسی بکنند و جواب بدهند بنابراین در مورد دوره کارشناسی ارشد منتظر پاسخ آنها هستیم. برای دوره کارشناسی هم فکر نمی‌کنم مشکلی داشته باشند.

■ **دکتر آذرنوش:** متأسفانه برای پرسش بعدی مخاطبی ذکر نشده ولی من با کسب اجازه از حضور همه می‌خواستم از آقای مهندس بهشتی خواهش کنم که به این پرسش، پاسخ بفرماید. تشکیل چنین جلساتی تا چه حد در راهبردهای آینده موثر خواهد بود و چه راه‌حلهایی را در نظر دارند تا همکاری و ارتباط بین دانشگاه و میراث فرهنگی ملموس‌تر گردد. با توجه به اینکه آینده باستان‌شناسی را دختران و پسران دانشجو تشکیل می‌دهند جای خانمها در این عرصه کجاست؟ منظور فعالیت‌های میدانی در باستان‌شناسی است؟

بالاخره این را توانستیم متقاعد بکنیم، الان از کمیسیون دولت به خود دولت رفته و در دستور کار دولت در نوبت است تا تصویب بشود. به مجلس قاعدتاً می‌رود و در مجلس انشاء... امیدوار هستیم که تصویب شود، اما در مورد بخش آگهی فلزیاب، با آقای لاریجانی، همین چند روز پیش صحبت کردم و از ایشان خواهش کردم. این آپروپزتی است در کشوری به اسم ایران یا این مشخصات در تلویزیونش آگهی فلزیاب پخش بکنند و بعد مدام بگویند: «طلیعه کاوش» این خیلی آپروپزتی است ایشان البته اظهار بی‌اطلاعی کردند و نامه‌ای را هم خدمتشان فرستادم و قبول دادند که جلوی‌شان را می‌گیرند و ما همینطور منتظر هستیم که جلوی‌شان را بگیرند. در ارتباط با روزنامه‌ها که جزء وزارت ارشاد است نامه نگاری کردیم. در یکی از شعبه‌هایشان ممنوع کردند البته زمان آقای بورقانی بود. بعد آنها رفتند تلاش و تکاپو کردند و همه خوشبختانه یا متأسفانه مسلط به قوانین شدند، رفتند سراغ قوانین، و آخرش گفتند قانونی وجود ندارد که ما این را ممنوع بکنیم شما بروید تمهید قانونی ببینید برای اینکه به اصطلاح یک قانونی داشته باشید تا آن قانون این آگهی را غیرمجاز اعلام کند، به هر صورت داریم تلاش می‌کنیم. کار بسیار ناپسندی هست و به نظر من حکایت از این می‌کند که ما چه وضعی داریم، یعنی سازمان میراث فرهنگی چه وضعی دارد.

■ **مهندس بهشتی:** بله، در مورد بخش اول سوال ایشان من فکر می‌کنم که این جلسات بین سازمان و مراکز دانشگاهی می‌تواند خیلی مفید باشد. خارج از تعارف عرض می‌کنم این جلسه را که جلسه اول بود، ما به عنوان سلام و علیک و احوال‌پرسی اول جلسه به حساب می‌آوریم، ما خیلی حرف داریم نسبت به دانشگاه و حتماً دانشگاه هم خیلی حرف دارد با ما، یعنی خیلی جاها ما احساس می‌کنیم دستمان لای در دانشگاه است، نه می‌توانند و نه باز می‌کنند. حتماً دانشگاه هم خیلی جاها فکر می‌کند که دستشان لای در سازمان میراث فرهنگی گیر کرده است. اگر که ما باهم گفتگو کنیم قاعدتاً این مشکلاتمان می‌تواند مرتفع شود. واقع قضیه این است که - الحمد... جمع دوستانه است اگر غریبه هم هست گوشش را بگیرد، من فکر نمی‌کنم غریبه‌ای باشد - محصول دانشگاهها به درد کار نمی‌خورد باید این محصول به درد کار ما بخورد. ما در سازمان میراث فرهنگی وقتی که یک کارشناسی ارشد را استخدام می‌کنیم کارشناسهای ما می‌گویند حالا باید بیاید خیلی کار دارد تا ببینیم که از آن یک باستان شناس درمی‌آید، یا در نمی‌آید این باید خیلی زودتر از این در دانشگاه معلوم شده باشد. من این گله‌ها را که دارم می‌کنم می‌خواهم در شما حس اعتراضی را ایجاد بکنم که انشاء... اگر ما شما را دعوت کردیم به سازمان میراث فرهنگی حتماً آنجا شما از این گله‌ها بکنید. خلاصه ما حرف زیاد داریم با مراکز دانشگاهی و مراکز دانشگاهی با ما حرف زیاد دارند اگر چنین فرصتهایی نباشد من نمی‌دانم چطور این حرفها باید به هم گفته شود حتماً تبدیل می‌شود به غرولند و شایعه.

نکته بعدی که فرمودند درباره خانمها، ماشاء... خانمها یک وضعی دارند پیش می‌آورند که من فکر می‌کنم که ما آقایان دنبال نهضت آزادی مردان باید باشیم. الان الحمد... خانمها خوب فعال هستند یعنی در خود سازمان میراث فرهنگی بعضی از آنها در همین مجلسی که شما برپا کرده‌اید حاضرند، از کارشناسهای خیلی خوب و محترم و خیلی فعال سازمان هستند و همین مسأله حکایت از این می‌کند که خانمها مانع جدی بر سر راهشان برای رشد و فعالیت نیست.

■ **دکتر آذرنوش:** سوال بعدی هم از جمله پرسشهایی است که مخاطبی برایش ذکر نشده من این را خدمت هر سه میهمان، آقایان مهندس بهشتی، گلشن و چگینی عرض می‌کنم هر کدام از آقایان که ترجیح می‌دهند خواهش می‌کنم که پاسخ بدهند. بفرمایید چرا در کادر میراث فرهنگی کشور افرادی به کار گرفته می‌شود که رشته تخصصی آنها هیچ‌گونه سنخیتی با باستان‌شناسی ندارد و از فارغ‌التحصیلان

■ **دکتر آذرنوش:** فکر می‌کنم پاسخ جناب آقای بهشتی خیلی خوشحال‌کننده است برای همه کسانی که نگران حفظ این میراثها هستند. سوال بعدی از آقای گلشن است و این است که: من به عنوان یک دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد می‌خواستم بدانم چرا سازمان میراث فرهنگی به مسایل و دانشجویان این دانشگاه توجه ندارد. به عنوان مثال ما در نیمسال آخر این رشته هستیم ولی هنوز به کاوش نرفته‌ایم. می‌خواستم در این مورد توضیح بفرمایید.

■ **گلشن:** آنقدر که من می‌دانم از سال گذشته دانشگاه آزاد درخواست مجوز کرد و از سال گذشته دارند کار کاوش را انجام می‌دهند اما در رابطه با کارشناسی ارشد مسایلی وجود دارد، به این شکل که رشته باستان‌شناسی بعد از انقلاب و شاید خصوصاً توسط دانشگاه آزاد در دوره کارشناسی ارشد از همه رشته‌ها دانشجو می‌گیرد و این قابل بررسی هست که دانشجو پایه‌اش باستان‌شناسی نیست. اصلاً تنها مشکلی که برای

می‌کردند در طی یک برنامه یک روزه ارایه دادند و برنامه موفق بود.

■ **دکتر آذرنوش:** سوال بعدی هم باز متأسفانه بدون مخاطب است اما سوالی است که در واقع رابطه مستحکمی دارد با هدف‌های این چنین برنامه‌هایی، یعنی ایجاد ارتباط میان سازمان میراث فرهنگی و مراکز آموزشی دانشگاهی من این سوال را تنها به این دلیل در اینجا مطرح می‌کنم که شاید برای آینده ما بسیار مفید باشد. چنانچه می‌دانید مسؤولان محترم سازمان میراث فرهنگی کشور مواجه با مشکلات ناشی از برنامه و مواد آموزشی رشته باستان‌شناسی در دانشگاه‌ها هستند که از نظر علمی و پژوهشی و اجرایی در سازمان جوابگوی وظایف این سازمان نیست و برنامه آموزشی کنونی دانشگاه و سطح فارغ التحصیلان دانشگاه‌های ایران و نیز خارج از کشور از میزان علمی جهانی فاصله بسیار دارد شما مسؤولان چه پیشنهادهایی برای تغییر برنامه‌های آموزشی در رشته باستان‌شناسی کشور برای روز آمد شدن و نیز جوابگویی به نیازهای باستان‌شناسی کشور دارید.

■ **مهندس بهشتی:** من سعی می‌کنم آنچه که به نظر می‌رسد را خیلی کوتاه عرض کنم. جواب خیلی دقیقتر را شاید آقایان بدهند من فکر می‌کنم اگر که یک دستگاه اجرایی با یک مرکز دانشگاهی در یک رشته واحد از همان ابتدا که دانشجویان وارد می‌شوند تا زمانی که دانشجوی مشغول به کار می‌شود باهم ارتباط داشته باشند خیلی از مشکلات را می‌توانند برطرف کنند و می‌توانند به‌نحوی اثر روی هم بگذارند که آن نشاطی که توقع داریم از محیط دانشگاهی، در محیط اجرایی اتفاق بیفتد و آن واقع بینی که در محیط اجرایی توقع می‌رود در محیط دانشگاهی، یعنی در واقع اثرات متقابل داشته باشند. شما ببینید الان در صنعت هم متأسفانه بین دانشگاه‌ها و صنایع مان ارتباط خیلی نزدیکی نیست در صورتی که اینجا خیلی محسوس است و باید این ارتباط وجود داشته باشد. شاید فقط در پزشکی هست که مثلاً به‌نحوی ارتباط وجود دارد برای همین من فکر می‌کنم که در حقیقت گذشته از اینکه آثار مطلوب زیاد دارد به لحاظ اجرایی موقوف به این هست که ما این ارتباط را نزدیک، مستمر و خلاصه همه جانبه ببینیم نه اینکه فقط با همین گفتگوها قضیه را ختم کنیم. به هر صورت من فکر می‌کنم که راهش این است که همکاری، همکاری همه جانبه، مستمر و خلاصه بی‌تکلف و واقع بینانه داشته باشیم.



دکتر آذرنوش

■ **دکتر آذرنوش:** متأسفانه وقت ما تقریباً به پایان رسیده و چند دقیقه‌ای بیشتر فرصت نداریم. یکی دو سوال بیشتر نمی‌توانیم مطرح کنیم یکی از آن سؤاها، سؤالی است که از جناب آقای مهندس بهشتی شده، بفرمایید که چرا با وجود تمرکز پژوهش در سازمان میراث فرهنگی هیچ یک از پژوهشکده‌های آن سازمان محترم نشریه علمی تخصصی ندارند. ■ **مهندس بهشتی:** بله، من فکر می‌کنم اینجا از آقای چگینی

باستان‌شناسی خیلی کمتر به کار گرفته می‌شود؟

■ **مهندس بهشتی:** کسی که این سوال را کرده آماری دارد؟ مثلاً آماری بدهند که بطور شده یک چنین نتیجه‌ای می‌گیرند. چون بنابه آماری که ما داریم چنین چیزی نیست البته در سازمان میراث فرهنگی فقط رشته باستان‌شناسی نیست که قَدَر قدرت است. رشته مردم‌شناسی هم هست، رشته هنرهای سنتی هم هست، رشته معماری هم هست، رشته‌های مختلفی هستند که دارند فعالیت می‌کنند و این طور نیست که مثلاً تبعیضی باشد البته یک خرده تبعیض قایل می‌شویم برای رشته باستان‌شناسی آن هم به خاطر اینکه خودم شخصاً به رشته باستان‌شناسی زیاد علاقه دارم.

■ **گلشن:** همانطور که آقای مهندس فرمودند تقریباً ما اصلاً چنین چیزی نداریم. نمی‌توان باستان‌شناسی را آنقدر در عرصه مطالعات محدود کرد فقط باستان شناس توانایی پاسخ‌گویی به همه مسایل باستان‌شناسی را ندارد. اگر که الان مطالعات در سطح دنیا را نگاه بکنیم تقریباً می‌شود این طور گفت که ما اطلاعاتی که از باستان‌شناسی در داخل کشور به طور کلی کسب می‌کنیم شاید ۵/۵، ۱۰/۵ یا بیشتر نشود به آن بها داد و یا اطلاعاتی بیشتر کسب کرد. من به خاطر دارم آن موقعی که ما دانشجوی بودیم خانم دکتر «هندی کوروس» فکر می‌کنم استخدام محیط زیست بودند و در دانشگاه هم درس می‌دادند. ایشان در سال ۵۶ - ۵۵ با دانشگاه تهران همکاری داشتند مثلاً مطالعات زیست محیطی یا اقلیمی را در منطقه توسط حفاری انجام می‌دادند تا ببینند که پوشش گیاهی چه بوده و در هر حال اقلیم منطقه را شناسایی می‌کردند. من از آن تاریخ تا این لحظه که خدمت شما هستم تقریباً سراغ ندارم که مثلاً در این عرصه باستان شناس کاری انجام داده باشد. ما از سنگهایی که بدست می‌آوریم هیچ بهره‌برداری نمی‌کنیم، ما درباره شناخت اقلیم در باستان‌شناسی هیچ کار نمی‌کنیم و موضوعات عیدیه دیگر... بنابراین اگر عرصه را آنقدر تنگ بکنیم و موضوع را محدود ببینیم فقط باید باستان شناس استخدام شود اما اگر به تخصص‌هایی که الان هم کاری به باستان شناسان دارند در سطح دنیا نگاه بکنیم تقریباً می‌شود گفت تمام تخصص‌های موجودی که وجود دارد از اکتشافات باستان‌شناسی بهره می‌گیرد و دارند مطالعات علمی روی آن انجام می‌دهند.

■ **دکتر آذرنوش:** جناب آقای چگینی، کاوش‌های زیادی در گوشه و کنار کشورمان توسط باستان شناسان زیده و زحمت‌کش انجام می‌شود متأسفانه گزارش آنها به چاپ نمی‌رسد تا ما به عنوان دانشجویان رشته باستان‌شناسی از آخرین کشفیات اطلاع یابیم آیا می‌توان این کاوشها را به صورت یک کتاب و یا یک مجموعه گزارش چاپ نمود و یک جلسه سخنرانی توسط کاوشگر در مورد کاوشهایی که جدیداً انجام داده ترتیب داد یا روشهای دیگر.

■ **چگینی:** البته این سوال، سوال خوبی است ما هم، هم عقیده و هم فکر با پرسشگر هستیم، مشکل این هست که ابتدا می‌بایستی ما به دنبال این باشیم که گزارشها را بگیریم، یعنی به این معنا که پژوهشگران گزارش خودشان را بدهند و ما هم کوشش داریم این کار را بهتر و سریعتر انجام بدهیم و نهایتاً بتوانیم شرایطی را به‌وجود بیاوریم که انشاء... در سال آینده با مساعدتی که آقای مهندس بهشتی هم به این مساله دارند بشود نتیجه این کار را دید و تعدادی از گزارشهای کاوشهای مختلف چاپ بشود و بیرون بیاید. انشاء... در آینده‌ای نزدیک هم دو مورد منتشر خواهد شد و امیدواریم که قبل از عید بتوانیم این‌ها را منتشر کنیم و از این دیدگاه بتوانیم شرایط بهتری را برای تحقیق بوجود بیاوریم. در مورد بخش دوم سوال، این هم جزو مسوولیت‌های ماست. ما هم کوشش داریم که این کار صورت بگیرد حداقل این است که در هفته گذشته یکی از پژوهشگران باستان شناس ما گزارش کار خودشان را به همراه کلیه همکاری که در آن محوطه کار



□ **مهندس بهشتی:** البته من یک چیزی خدمتان عرض بکنم. می‌دانید که ما در کشور رشته مرمت آثار داریم و الان کارشناس و کارشناسی ارشد دارند درس می‌خوانند. متأسفانه این رشته‌ها را سازمان امور استخدامی هنوز به رسمیت نشناخته است یعنی همانطور که از این داریم از آن هم البته داریم.

□ **دکتر آذرنوش:** خیلی متشکرم. فقط فرصت هست برای یک پاسخ گویی خیلی کوتاه به یک سؤال دیگر. این سؤال از آقای گلشن شده است، با عنایت به این که تهیه نقشه باستان‌شناسی کشور بر اساس نظام نامه سازمان از وظایف سازمان بوده است در این خصوص چه فعالیت‌هایی انجام شده است؟

□ فعالیت‌هایی که انجام شده موضوع نقشه باستان‌شناسی کشور در تشکیلات الان سازمان نیست. از گذشته‌ای دور در تشکیلات به طور کلی باستان‌شناسی کشور بوده، از زمانی که سازمان تشکیل شده حدود ۵، ۶ سال که در این زمینه فعال است. مشکلی وجود دارد در این ارتباط اگر که ما بخواهیم پهنه بندی کشور را در نظر و در برنامه‌ریزی دستگاه‌های دیگر داشته باشیم لازم هست که نقاطی که به عنوان آثار تاریخی داریم یا یک مشخصات و مختصات داشته باشیم، متأسفانه آثاری که ما داریم اصلاً این چنین نیست، مختصات ندارد و جایگاهش اصلاً مشخص نیست. از ۵، ۶ سال پیش فعالیت در این زمینه شروع شده تا حالا موفقیت آمیز بوده ۵، ۶ استان تقریباً آن چه که اطلاعات داشتیم در ستاد وارد و در واقع کدگذاری و مشخص شده و در استانها هم استانهای زیادی در این رابطه شروع کردند و برای خودشان آثار را وارد نقشه کردند. من فکر می‌کنم در چند سال آینده به نتیجه مثبتی دست پیدا خواهیم کرد البته در قیل از انقلاب هم تلاشی در این زمینه انجام شده که از آن اطلاعات هم استفاده می‌شود.

□ **دکتر آذرنوش:** من یک قدم عقب نشینی می‌کنم. سوالی که رسیده لابد برای بسیار از دانشجویان سوال مهمی است. من به خود اجازه می‌دهم که این را اضافه بکنم بر تعداد سوالهایی که مطرح شده، در زمان برگزاری کنگره زاهدان آیا سهمیه برای رشته باستان‌شناسی خصوصاً دانشجویان کارشناسی ارشد در نظر گرفته شده است یا خیر. سؤال دوم، در موزه‌های کشور از دانشجویان باستان‌شناسی ورودیه دریافت می‌شود در این صورتی که یک دانشجو به کرات باید به موزه برود خواهشمند است در این مورد اقدام بفرمایید، البته این سوال نیست مثل اینکه التماس دعا است.

□ **گلشن:** قانداً دانشجو برای کار تحقیق که مراجعه می‌کند فکر نمی‌کنم بلیط پرداخت بکند یعنی با کارت دانشجویی مراجعه می‌کند و قانداً مشکلی در این زمینه ندارد. در رابطه با سمینار هم البته باید امکانات و موقعیتها را هم در نظر گرفت و ببینیم که مکان چقدر پاسخگویی پذیرش است. هر چه قابل پذیرش باشد طبیعتاً این کار را خواهیم کرد.

□ **چگینی:** البته در این قسمت همکاری دانشکده‌ها را هم می‌خواهیم به این دلیل که مسؤلیت به هر حال متعددی به دوش برگزار کنندگان هست.

□ **دکتر آذرنوش:** خیلی متشکرم از هر سه حاضر این جلسه جناب آقای بهشتی و جناب آقای گلشن و جناب آقای چگینی، برای پاسخ‌های روشن و شفاهی که در برابر پرسشها ارایه فرمودند. در این چند دقیقه‌ایکه باقی مانده می‌خواستم از آقای مهندس بهشتی خواهش کنم محبت بفرمایند و در چند دقیقه برای ما برداشت خودشان را از تشکیل چنین جلساتی و بخصوص جلسه حاضر به صورت یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بیان بفرمایید بعد هم من عرایض خود را در پایان به منظور خداحافظی تقدیم خواهم کرد.

□ **مهندس بهشتی:** من استنباطم این است که چنین جلساتی کمک می‌کند به این که دغدغه‌های همدیگر را بشناسیم، بنده و همکاران عزیزم تلاش کردیم که به سهم خودمان بخشی از دغدغه‌هایی که داریم

باید سوال بکنیم که چرا پژوهشکده باستان‌شناسی نشریه پژوهشی ندارد. ما که اعلام آمادگی کردیم گفتیم آقا هر کاری لازم است بفرمایید ما انجام می‌دهیم که شما نشریه تخصصی خودتان را داشته باشید. البته من خودم این عقیده را شخصاً ندارم که ما حتماً باید پژوهشکده‌مان نشریه تخصصی داشته باشد من فکر می‌کنم همه نشریات تخصصی که در کشورمان منتشر می‌شود نشریه تخصصی هستند و ما می‌بایست با آنها همکاری داشته باشیم. اگر نشریه تخصصی در زمینه باستان‌شناسی در کشور منتشر می‌شود مثل این است که ما داریم منتشر می‌کنیم، ما کمک می‌کنیم، این که حتماً آرم ما باید بالا سر آن باشد و معلوم بشود این حاصل کار ماست این فکر می‌کنم کمی کوتاه بینی است اما اگر در خارج از سازمان میراث فرهنگی نشریه تخصصی در آن رشته‌هایی که ما با آن سروکار داریم وجود ندارد، طبعاً ما باید نشریه داشته باشیم و این درخواست و تقاضای بنده از همه پژوهشکده‌ها هم بوده و حتی بیرون از پژوهشکده‌ها اعلام آمادگی کردم. گفتیم آقا در رشته مردم‌شناسی هر کسی توانایی دارد یک نشریه در بیورد، بیاید ما هم کمکش می‌کنیم و همچنین در رشته باستان‌شناسی. منتها نشریه باستان‌شناسی مرکز نشر دانشگاهی را دوستان و کارشناسهای ما داخل سازمان تلقی می‌کنند یعنی آنطوری که ما با نشریه خودمان چطور همکاری باید بکنیم یا آن نشریه همکاری بکنیم، بگذاریم تقویت بشود، بگذاریم نشریه تداوم پیدا بکند، در تمام رشته‌هایی که مرتبط با موضوع کاری ما است ترجیح بنده این است که بیرون سازمان نشریاتی را به اصطلاح نهادینه بکنیم یا اگر وجود دارند تقویت بکنیم و اگر وجود ندارند و نمی‌توانند به وجود بیایند، لابد حتماً سازمان میراث فرهنگی خودش باید این کار را بکند و این هم یعنی کی؟ یعنی پژوهشکده مردم‌شناسی، پژوهشکده هنرهای سنتی، پژوهشکده باستان‌شناسی و هر کدام از این پژوهشکده‌هایی که هستند.

□ **دکتر آذرنوش:** هدف اصلی از برگزاری این جلسه در واقع صحبت درباره چشم انداز آینده باستان‌شناسی در سطح گسترده کشور عزیز ما است. برخی از سؤالها متأسفانه در چنین چهارچوبی نیستند، معذرتاً من به خود اجازه می‌دهم که یکی دو تا از این‌ها را که بیشتر جنبه شخصی هم پیدا می‌کنند مطرح بکنم برای اینکه این مسأله عنوان نشود که سوال کسی حذف شده است. با سلام، در کدام دانشگاه رشته کارشناسی آثار تاریخی برگزار است و چه کسی به این عنوان کارشناس شده که شما در پستهای سازمانی خودتان کارشناس آثار تاریخی گنجانیده‌اید آیا این راهی برای جذب افراد غیرمرتبط و متأسفانه در پرائتو آمده ولی خوبشوند به سازمان نیست.

□ **مهندس بهشتی:** ما کارشناسی آثار تاریخی داریم؟  
□ **گلشن:** بله.

□ **مهندس بهشتی:** من خبر نداشتم.

□ **گلشن:** البته کارشناس آثار تاریخی در مجموع پست‌های سازمان چیزی نیست که جدید باشد از گذشته همین‌طور بوده و هست و رشته‌هایی که به‌طور کلی در این رشته جذب می‌شوند در این عنوان پستی جذب می‌شوند، رشته باستان‌شناسی هست و بیشتر یعنی فقط باستان‌شناسی و تاریخ است که تقریباً جذب می‌شوند آن هم به دلیل ارتباط و پیوستگی که دارند و کار تخصصی آنچنانی هم که فکر بکنید مثلاً حفاری می‌روند و ... اصلاً اینطور نیست. بیشتر در زمینه گزارش از اینبه مثلاً گزارش تخریب و احیاناً همکاری با یک پژوهشگر دیگر. یک همچون حالتی دارد من تصور می‌کنم که در ادامه عرایض قبلی این را حتماً باید بگویم که شاید سازمان کوتاهی می‌کند رشته‌های دیگری که مرتبط با باستان‌شناسی است اصلاً به استخدام در نمی‌آورد. نه این که زیر سوال ببرم که چرا استخدام اصلاً انجام می‌دهیم ما باید ارتباطات را قوی بکنیم که بتوانیم بهره‌مند بشویم از توانایی مختلف رشته‌ها.

□ **چگینی:** اولاً خوشحالم که این جلسه تشکیل شده و به عنوان یک خدمتگزار باستان شناس می‌خواهم تشکر بکنم از برگزاری این جلسه و حضاری که هستند و بزرگانی که در این جلسه همت کردند و شرکت کردند. از مدیر گروه باستان‌شناسی که در این جلسه هستند و به سهم خودم می‌خواهم از مهندس بهشتی ریاست محترم سازمان، از آقای گلشن معاونت محترم سازمان هم تشکر کنم که در این جلسه حاضر شدند. در پایان این را اشاره کنم که ما هر قدر که صحبت کنیم مهم عمل ماست. در این مورد اتفاقاً ابیاتی از سعدی است که می‌گوید:

اگر بنده چابک نیاید به کار عزیزش ندارد خداوندگار  
اگر بر رفیقان نباشی شفیق به پر سنگ بگریزد از تو رفیق  
اگر ترک خدمت کند لشگری شود شاه لشگرکشی از وی بری

■ **دکتر آذرنوش:** اجازه دهید من در درجه اول با آرزوی موفقیت بیشتر برای هسته علمی دانشجویان باستان‌شناسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و برای گروههایی که در تمام کشور امر آموزش باستان‌شناسی را در اختیار دارند و سرانجام با آرزوی موفقیت برای سازمان میراث فرهنگی کشور و با تشکر از خانمها و آقایانی که تشریف آوردند و موفقیت این جلسه را با حضورشان تضمین کردند، بویژه از مسؤولین محترم سازمان میراث فرهنگی کشور جناب آقای مهندس بهشتی، جناب آقای گلشن و جناب آقای چگینی مجدداً تشکر کنم. با تقدیم مجدد تسلیت به مناسبت ضربت خوردن مولای متقیان ما این جلسه را به پایان می‌بریم و امیدمان این که راه درست و راه حق همیشه در پیش باشد.

نسبت به موضوع باستان‌شناسی توضیح بدهیم، در قالب صحبت اول و در قالب پاسخ به سوالها، از خلال سوالاتی که مطرح می‌شد خوب حس می‌شد دغدغه‌هایی که در این محیط دانشگاهی وجود دارد. مسلماً همانطوری که ما فکر می‌کنیم که خیلی حرف داریم با محیط دانشگاهی حتماً دانشجویها و اساتید محترم مثل ما فکر می‌کنند و خیلی حرف دارند یا ما.

فکر می‌کنم که به ما در این جلسه خیلی سخت نگذشت. از نتایج دیگری که به نظر من می‌رسد این هست که حقیقتاً دو رکن هست، «محیط دانشگاه» و «محیط اجرایی». چاره‌ای نداریم جز اینکه متکی به هم باشیم و همکاری مستمر و مشترک و عمیق داشته باشیم و خلاصه توجه به سرنوشت هم داشته باشیم. رفت و برگشتی بین سازمان و دانشگاه و خصوصاً دانشکده شما که قدیمی‌ترین دانشکده باستان‌شناسی هست در کشور برنامه‌ریزی بشود و توصیه من این هست که اکتفا به دانشکده‌ی خودتان نکنید، به تمام دانشکده‌هایی که رشته باستان‌شناسی دارند شما متولی امر دانشگاهی بشوید ما هم متولی امر به اصطلاح اجرایی. و خودمان هم اعلام آمادگی می‌کنیم که دعوت بکنیم در موزه ملی در ستاد مرکزی سازمان و در خود دانشگاه و در هر جایی که مصلحت ببینیم و آمادگی باشد حضور پیدا بکنیم و خلاصه در این مجالس ما هم بهره خودمان را ببریم.

■ **دکتر آذرنوش:** خیلی متشکرم از جناب مهندس بهشتی. آقای چگینی هم گویا چند کلمه بیاناتی دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

